



Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

Vol. ۵۱, No. ۲, Issue ۱۰۳

سال پنجاه و یکم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۳

Autumn & Winter ۲۰۱۹ - ۲۰۲۰

پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۲۳۸-۲۱۷

DOI: <https://doi.org/10.22067/naqhs.v51i2/62989>

کاوشی درباره تاریخ گذاری و مخاطب شناسی سوره ماعون*

زهرا کلباسی اشتری

دانش آموخته دکتری دانشگاه اصفهان

Email: zahrakalbasi@gmail.com

امیر احمدنژاد^۱

استادیار دانشگاه اصفهان

Email: Ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir

دکتر محمدعلی مهدوی راد

دانشیار دانشگاه تهران - پردیس فارابی

Email: Mahdavidrad@ut.ac.ir

چکیده

سوره ماعون بنابر دیدگاه اغلب مفسران، سوره‌ای مکی است. همه جداول ترتیب نزول نیز آن را در زمره نخستین سور مکی قرار داده‌اند؛ چنانکه طول، لحن و مسجع بودن این سوره نیز آن‌ها را تأیید می‌کند. لیکن در حوزه محتوا، آیات ابتدایی این سوره در مذمت تکذیب‌گران قیامت، و آیات میانی در مذمت مصلّین ریاکار نازل شده که همین موجب گردیده تا برخی این سوره را دارای نزول گسسته در مکه و مدینه و برخی نیز آن را کاملاً مدنی تلقی نمایند. چنانکه گزارش متقدمان از مدنی یا مکی-مدنی بودن این سوره نیز مؤید این اقوال است. درحالی‌که برحسب یافته‌های این پژوهش، ارتباط معنایی و لفظی آیات میانی این سوره با ابتدای آن، نزول پیوسته و دفعی آن را ثابت کرده است. از دیگر سو سیاق سوره ماعون و شباهت آن به دیگر سور مکی اولیه، جایگاه آن در جداول ترتیب نزول را تأیید می‌نماید. درنهایت با توجه به تاریخ‌گذاری این سوره در سال‌های ابتدایی مکه و عدم وجود پدیده نفاق در آن دوران از یک سو، و فقرات مختلف وحی که از یک عمل عبادی به عنوان صلاه در میان مشرکان و مردمان دیگر ادیان سخن می‌گوید، از دیگر سو، می‌توان به مخاطب بودن مشرکان در سراسر سوره ماعون حکم کرد.

کلیدواژه‌ها: سوره ماعون، مدنی، مکی، نزول پیوسته، نزول گسسته، تاریخ‌گذاری.

*. مقاله پژوهشی، تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰.

۱. نویسنده مسئول

A Study on Determining the Date and Audience of Surah Al-Ma'un

Zahra Kalbasi Ashtari

Ph.D. graduate, Isfahan of University

Amir Ahmadnejad (Corresponding Author)

Assistant Professor, Isfahan of University

Dr. Mohammad Ali Mahdavi

Associate Professor, University of Tehran - Farabi Campus

Abstract

According to most Quranic commentators, Surah Al-Ma'un was revealed in Mecca. Based on its chronological order of revelation, it is also classified as one of the first Meccan surahs, which is in keeping with the length, tone, and rhyme of this surah. As for the content, the first verses of this surah were revealed in the denunciation of disbelievers of the Hereafter, and the middle verses in the censure of deceitful observers of prayer. As a result, some argue that this surah has been discontinuously revealed in Mecca and Medina, and some contend that it has been thoroughly revealed in Median.

The earlier accounts regarding the revelation of this surah in Mecca or Median also lend credit to this claim. However, according to the findings of this study, the semantic and literal link between the middle verses of this surah and its early content demonstrates its continuous revelation. On the other hand, the style of the Surah al-Ma'un and its resemblance to other early Meccan Surahs corroborates its position in the chronological orders of revelations. Finally, given that this surah was revealed in the early years of Mecca and hypocrisy was not at an issue at that time, and based on various types of revelation that spoke of an act of worship called salah among the polytheists and followers of other religions, it is evident that Surah al-Ma'un is directed at polytheists as its main audience.

Keywords: Surah al-Ma'un, Medinan surah, Meccan surah, discontinuity of revelation, determining the date

مقدمه

سوره ماعون در همه جداول ترتیب نزول در زمره نخستین سوره مکی نازل شده است. (ر.ک: طبرسی، ۱۰/۶۱۲-۶۱۳؛ شهرستانی، ۱/۸-۹؛ معرفت، ۱/۱۳۶-۱۳۷) چنانکه غالب مفسران نیز آن را مکی دانسته‌اند (ر.ک: ادامه مقاله). لیکن محتوای متفاوت این سوره که در آغاز تکذیب کنندگان شریعت را سرزنش نموده و در ادامه به یکباره نمازگزاران را مورد توبیخی سخت قرار داده، از یک سو و اقوال متقدمان در خصوص درهم آمیختگی آیات مکی و مدنی با هم در این سوره، موجب شده تا بسیاری از مفسران علی‌رغم کوتاهی سوره ماعون، آیات نخستین آن را مکی و آیات نیمه تا انتهای آن را مدنی تلقی نمایند. در حالیکه کوتاهی این سوره، طول حجم آیات و لحن آن‌ها، سیاق متحد توییخ‌ها و فاء عطفی که آیات میانی را به آیات اولیه متصل نموده باعث شده تا برخی مفسران نیز در نزول گسسته این سوره تشکیک نمایند.

از دیگر سو در فرض پذیرش نزول پیوسته این سوره، مفسران باز در نزول مکی یا مدنی سوره ماعون اختلاف نموده‌اند. زیرا در صورتی که این سوره بر مبنای ابتدای آن که به توییخ تکذیب کنندگان پرداخته مکی قلمداد شود، نمازگزار خطاب کردن مشرکان در ادامه سوره دشوار خواهد بود. همچنین در صورتی که بر مبنای آیات میانی این سوره که خطاب به نمازگزاران است، سوره ماعون مدنی فرض شود، اطلاق تکذیب کنندگان دین به منافقان هم طبیعی به نظر نمی‌رسد.

از این رو این مقاله بر آن شده تا ابتدا کیفیت نزول سوره ماعون را معین نماید که آیا این سوره نزولی یکپارچه داشته یا دارای نزول متداخل بوده و در دو زمان فرود آمده است. سپس به سؤال دوم پرداخته که در صورت پذیرش نزول پیوسته سوره ماعون، نزول آن مدنی است یا مکی؟ در نهایت نیز پس از تاریخ‌گذاری این سوره به مخاطب‌شناسی آن پرداخته و احتمالات مختلف از قبیل مخاطب بودن منافقان مدینه، مسلمانان مکه و مشرکان مکه را مورد بررسی قرار داده است.

بررسی محتوای سوره ماعون

این سوره به یک معنا تهدید کسانی است که خود را مسلمان معرفی کرده‌اند ولی متخلّق به اخلاق منافقین از قبیل سهو از نماز، ریا در اعمال و منع از کار خیر هستند که یا با ایمان به روز قیامت و یا ایمان به اسلام سازگاری ندارد. این سوره به واقع دین را به عمل دانسته و طبق این معنا مؤمن بی عمل را تکذیب‌گر روز قیامت معرفی نموده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالَّذِينَ (۱) فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْبِئْسِمَ (۲) وَ لَا يَحْضُ عَلَى

طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳) فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يَرَاؤُنَ (۶) وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

براین اساس نخستین آیه همراه با تعجب خطاب به پیامبر فرموده: آیا از کسی که دین-اعم از آنکه به معنای روز جزا یا شریعت اسلام- را تکذیب می‌نماید آگاهی داری؟ چنین کسی یتیم را باز می‌زند و از خود می‌راند و در حقیقت ظلم می‌نماید. او (از سر بخل) هیچ کس را به کمک به مستمندان ترغیب نمی‌کند. پس وای بر نمازگزاران. کسانی که نماز را ترک می‌کنند. یا کسانی که نماز را در وقت خود اقامه نمی‌کنند. یا کسانی که دچار نسیان نسبت به خداوند شدند. (نسیان در زمره ویژگی‌های مشرکان شمرده شده و با سهو و فراموشی متفاوت است). این گروه کسانی هستند که برای ریا نماز می‌خوانند (چه بسا در انظار خلق نماز خوان هستند و در خلوت تارک الصلاه) و دیگران را از انجام نیکی باز می‌دارند. درباره این نیکی اقوال گوناگون گفته شده است. برخی طبق لغت قریش مراد از آن را پرهیز از قرض دادن کالا و مال دانسته‌اند؛ برخی آن را به قرض دادن آب، نمک و آتش (که اصلی‌ترین لوازم زندگی عرب به شمار می‌رفته) و برخی به پرداخت زکات معنا نموده‌اند (طبری، ۲۰۱/۳۰-۲۰۲؛ طوسی، ۱۰/۴۱۵-۴۱۶؛ ابوالفتح، ۲۰/۴۲۲-۴۲۵؛ طباطبایی، ۲۰/۶۳۳-۶۳۵).

بررسی کیفیت نزول سوره ماعون

نخستین مسئله درباره سوره ماعون پژوهش درباره نزول پیوسته یا گسسته آن است. مراد از نزول گسسته آن است که آیات ابتدایی سوره در مکه و چهار آیه پایانی آن که بحث درباره نمازگزاران ریاکار است، در مدینه نازل شده است. در مقابل نزول پیوسته، نزول سوره ماعون را به طور یک پارچه در مکه یا مدینه توصیف می‌کند.

لازم به ذکر است در این میان برخی مفسران سرشناس درباره کیفیت نزول سوره ماعون اظهار نظری نکرده‌اند. برخی بدون اشاره به مکی، مدنی یا مکی-مدنی بودن این سوره از آن گذشته‌اند و برخی نیز همه اقوال را ذکر کرده اما هیچ یک را تأیید ننموده‌اند. مبهم نهادن این مسئله اگر از سر غفلت مفسر نباشد، قطعاً از دشواری تاریخ‌گذاری سوره ماعون پرده برمی‌دارد.

چنانکه فراء (ر.ک: فراء، ۳/۲۹۴)، طبری (ر.ک: ۳۰/۲۰۰)، ابن‌ابی‌حاتم (ر.ک: ۱۰/۳۴۶۸) آلوسی (ر.ک: ۱۵/۴۷۴) و مراغی (ر.ک: ۳۰/۲۴۷) بدون هیچ اشاره‌ای به کیفیت نزول سوره ماعون، وارد تفسیر آن شده و در تفسیر نیز اغلب آیات نخست را خطاب به مشرکان و آیات پایانی را خطاب به منافقان معنا کرده‌اند. بیضاوی به صراحت دیدگاه‌ها درباره کیفیت نزول سوره ماعون را مختلف دانسته و با همین

اشاره کوتاه از این مسئله عبور کرده است (بیضاوی، ۳۴۱/۵). طبرسی و ابوحیان توصیف دقیقی از همه اقوال درباره کیفیت نزول سوره ماعون ارائه کرده‌اند اما در نهایت هیچ یک را ترجیح نداده‌اند (طبرسی، ۱۰/۸۳۲؛ ابوحیان، ۱۰/۵۵۲). ثعالبی نیز علی‌رغم آنکه در ابتدا سوره ماعون را مکی دانسته، در خلال تفسیر به دیدگاه برخی که این سوره را مکی-مدنی می‌دانند اشاره نموده و آن را رد نکرده است (ثعالبی، ۱۰/۶۳۰). اما دیگر مفسران به تاریخ‌گذاری این سوره پرداخته‌اند.

۱. نزول گسسته و مؤیدات آن

قائلان به نزول گسسته سوره ماعون را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

نخست، متقدمان که در میان آنان طبرسی با عبارت قیل، نزول گسسته سوره ماعون را مطرح کرده است (طبرسی، ۱۰/۸۳۲)

دوم مفسرانی که به صراحت پذیرفته‌اند ۳ آیه اول سوره ماعون در مکه و خطاب به مشرکان و ۴ آیه بعدی در مدینه و خطاب به مؤمنان نازل شده باشد (زمخشری، ۴/۸۰۳؛ ملاحویش، ۱/۱۷۲؛ سیدقطب، ۶/۳۹۸۴) نکته قابل توجه آنکه زمخشری هرچند در ابتدای سوره ماعون آن را دارای نزول گسسته دانسته اما در تفسیر سوره آن را به طور پیوسته معنا کرده و همه آیات را خطاب به مسلمانان تبیین نموده است (زمخشری، ۴/۸۰۳-۸۰۶) درحالی‌که دو مفسر دیگر همان‌گونه که نزول سوره را گسسته دانسته‌اند، آن را در دو بخش با دو مخاطب متفاوت نیز معنا نموده‌اند.

سوم مفسرانی که در ابتدای سوره قائل به نزول یکپارچه این سوره در مکه یا مدینه شده‌اند، اما در ادامه آن را به صورت گسسته تفسیر نموده‌اند. بدین سان که مخاطب آیات ابتدایی را مشرکان و مخاطب آیات نیمه دوم سوره را منافقان دانسته‌اند. با توجه به آنکه جریان نفاق در مدینه شناخته شده، این مفسران در حقیقت ۴ آیه آخر سوره ماعون را مدنی تفسیر نموده‌اند. در این گروه به مفسرانی همچون مقاتل (۴/۸۷۱)؛ هواری (۴/۸۷)؛ سمرقندی (۳/۶۲۵)؛ قمی (۲/۴۴۵)؛ ابن‌ابی‌زمین (۵۴۶)؛ طوسی (۱۰/۴۱۴-۴۱۶)؛ ابوالفتوح (۲۰/۴۲۲-۴۲۵)؛ ثعلبی (۱۰، ۳۰۴-۳۰۶)؛ فخررازی (۳۲/۳۰۱-۳۰۶)؛ ابن‌کثیر (۸/۴۶۷-۴۶۹)؛ سیوطی (۶/۳۹۹-۴۰۱)؛ فیض‌کاشانی (۵/۳۸۰-۳۸۱)؛ شوکانی (۵/۶۱۱-۶۱۴) می‌توان اشاره نمود.

قابل توجه است که هیچ از مفسران مذکور به چرایی تناقض خود در توضیح نزول و تفسیر آیات سوره ماعون کمترین اشاره‌ای نداشته‌اند. اگر این موضوع را ناشی از غفلت و بی‌توجهی مفسران ندانیم، بدون تردید این تناقض از سردرگمی مفسر در تاریخ‌گذاری سوره ماعون نشأت می‌گیرد. نکته دیگر آنکه هیچ یک از مفسران قائل به نزول گسسته ماعون، حتی به اجمال به دلایل خود نپرداخته‌اند؛ لیکن برحسب قرائن،

می‌توان دلایل آنان را بازسازی نمود.

مؤیدات نزول گسسته را می‌توان دو مسئله دانست:

نخست تعارض محتوای آیات صدر و ذیل سوره ماعون. آیات نخست این سوره درباره تکذیب‌گران دین (اسلام یا قیامت) نازل شده که حقوق یتیم را ادا نمی‌کنند و دست یاری برای مسکین ندارند. درحالی‌که آیات ۴-۷ سوره ماعون برای نمازگزارانی نازل شده که در نماز سهل انگار (یا تارک الصلاه) هستند؛ ریاکار هستند و نه تنها در راه خیر قدمی بر نمی‌دارند؛ بلکه مانع از خیرخواهی دیگران هم می‌شوند. غالب مفسران از جمله همه کسانی که نامشان پیش‌تر گذشت، مراد از تکذیب‌کنندگان اسلام یا قیامت را مشرکان می‌دانند و در مقابل مراد از نمازگزاران ریاکار را مسلمانان منافق. بر همین اساس با توجه به رودرویی پیامبر با مشرکان در مکه و منافقان در مدینه، آیات ابتدایی سوره ماعون را مکی و آیات پایانی را مدنی می‌پندارند. زمانی این نظریه قوت می‌گیرد که تأمل در مضامین سوره‌های مدنی نشان می‌دهد که دوران خطاب به مشرکان و انذار آنان برای تکذیب قیامت و عدم دستگیری از یتیم و مسکین خاتمه یافته و جز آیاتی که در رابطه با رویارویی نظامی پیامبر با آنهاست، فقرات وحی نازل نمی‌شود. در نتیجه آیات ابتدایی سوره نمی‌تواند خطاب به مشرکان و در عین حال در مدینه نازل شده باشد. از دیگر سو آیات نیمه دوم سوره درباره نمازگزاران ریاکار سخن گفته که طبعاً شامل مشرکان نیست.

در مقابل سوره ماعون در روایات ترتیب نزول، هفدهمین سوره نازله معرفی شده که به طور تقریبی انتظار می‌رود در سال دوم بعثت نازل شده باشد. در این زمان تعداد مسلمانان به اندازه‌ای اندک است که از سویی هنوز گرفتار ریا نشدند که درباره ریاکاری آنان سخن گفته شود تا این سوره مکی باشد و از سویی تکذیب‌گری دین برای مسلمانان بی‌معنا به نظر می‌رسد تا تصور کنیم این سوره به طور کلی خطاب به مسلمانان و مدنی باشد. در نتیجه همه آیات این سوره نه می‌تواند خطاب به مشرکان باشد تا مکی تلقی گردد و نه خطاب به مسلمانان باشد تا مدنی محسوب شود. از این رو ساده‌ترین راه حل رفع این تعارض، نزول دو تکه‌ای این سوره در مکه و مدینه و سپس اتصال آنها به یکدیگر در قالب یک سوره است.

دومین دلیلی که نزول گسسته سوره ماعون را باور پذیر نموده، تعارض سبب نزول‌هایی است که ذیل این سوره نقل شده است. ذیل آیات ۱-۳ این سوره شأن نزول‌های مختلفی نقل شده است. ماوردی به دسته بندی این روایات در پنج گروه پرداخته است. نخست از قول مقاتل و کلبی که نزول این آیات را درباره عاص بن وائل سهمی دانسته‌اند. دوم از ابن جریج که می‌گوید: ابوسفیان هر هفته شتر یا گوسفندی سر می‌برد. روزی یتیمی از او چیزی خواست، ابوسفیان با عصا یتیم را زد و این آیات در ملامت او نازل شد. سوم از سدی که این آیات را نازل شده در وصف ولید بن مغیره دانسته؛ چهارم بدون آنکه صاحب قول معین

باشد، این آیات را در نازل شده درباره ابوجهل توصیف کرده و قول پنجم را نیز ضحاک نقل کرده و این آیات را نازل شده در وصف عمرو بن عائد دانسته است (ماوردی، ۶/ ۳۵۰).

نخستین نکته حائز اهمیتی که به این شأن نزول‌ها باید افزود، آن است که برخی مفسران متقدم سرشناس که ناقل همیشگی روایات اسباب نزول هستند، ذیل این آیات هیچ یک از موارد ۵ گانه شأن نزول را ذکر نکرده و این سوره را بدون شأن نزول مشخصی معنا نموده‌اند (طبری، ۳۰/ ۲۰۰-۲۰۱؛ فراء، ۳/ ۲۹۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۰/ ۳۴۶۸؛ هواری، ۴/ ۴۸۷؛ ابن ابی‌زمین، ۵۴۶).

دوم آنکه برخی به صورت مجهول (بیضاوی، ۵/ ۳۴۱؛ ابوحیان، ۱۰/ ۵۵۲) فخررازی از قول ابن عباس (فخررازی، ۳۲/ ۳۰۲) و قرطبی از قول ضحاک (قرطبی، ۲۰/ ۲۱۰)، نزول همین آیات ابتدایی سوره ماعون را در وصف منافقان دانسته‌اند.

لذا تعارض روایات شأن نزول در مخاطب‌شناسی آیات نخست سوره ماعون که برخی آن‌ها را مشرکان و برخی منافقان دانسته‌اند، اعتبار همه آن‌ها را مخدوش می‌سازد. چنانکه گروهی از مفسران به هیچ یک از این دو دسته اقوال اعتماد نکرده‌اند. در نتیجه برپایه این روایات نمی‌توان به نزول گسسته سوره ماعون استناد کرد.

۲. نزول پیوسته و مؤیدات آن

مفسرانی که نزول پیوسته سوره ماعون را پذیرفته‌اند، به چهار گروه تقسیم می‌شوند.

نخست قول منسوب به ابن عباس که این سوره را مکی دانسته و قول منسوب به ضحاک که این سوره را مدنی خوانده است (طوسی، ۱۰/ ۴۱۴). طبرسی قول مشهور را مکی بودن سوره ماعون و قول ضحاک را مدنی بودن آن دانسته است (طبرسی، ۱۰/ ۸۳۲). ماوردی قول مکی بودن این سوره را به عطاء بن ابی رباح و جابر بن عبدالله انصاری و قول مدنی بودن آن را به ابن عباس و قتاده نسبت داده است (ماوردی، ۶/ ۳۵۰).

دوم کسانی که قائل به نزول مکی این سوره هستند و در تفسیر آیات نیز سعی نموده‌اند همه آیات را در بافت مکی معنا کنند (ابن عطیه، ۵/ ۵۲۷-۵۲۸؛ آلوسی، ۱۵/ ۴۷۴-۴۷۷؛ دروزه، ۲/ ۲۰-۲۴).

سوم کسانی که قائل به نزول مدنی سوره ماعون هستند و در تفسیر نیز همه سوره را خطاب به مسلمانان منافق مدینه دانسته‌اند. برحسب تتبع صورت گرفته، تقریباً همه قائلان به این نظریه مفسران معاصر هستند که خود گواه آن است که در دوران اخیر به مراتب بیش از گذشته توجه اندیشمندان به تعارض محتوایی سوره ماعون جلب شده است. در این گروه از یک سو از مفسران سرشناس امامیه همچون علامه طباطبایی (۲۰/ ۶۳۳-۶۳۶)، صادقی‌تهرانی (۳۰/ ۴۶۴-۴۷۰)، فضل‌الله (۲۴/ ۴۳۵-۴۴۲)، مغنیه (۷/ ۶۱۴-۶۱۵)

و طالقانی (۲۷۱/۴-۲۷۵) و از سوی دیگر از مفسر شاخص اهل سنت همچون زمخشری (۸۰۳/۴) - ۸۰۶ (ابن عاشور ۴۹۴-۵۰۰)، حوی (۶۷۰۰-۶۷۰۵/۱۱) و قاسمی (۵۵۲-۵۵۳) نام برد. نکته حائز اهمیت درباره این گروه آن است که برخی از آنان در ابتدا، سوره ماعون را مکی دانسته اما در ادامه آن را مدنی تفسیر کرده و همه آیاتش را خطاب به منافقان مدینه معنا نموده‌اند (مغنیه، ۷/۶۱۴-۶۱۵؛ فضل الله، ۲۴/۴۳۵-۴۴۲). علامه طباطبایی نیز میان مکی یا مدنی بودن این سوره تردید نموده است (طباطبایی، ۲۰/۶۳۳). نتیجه این تعارض آن است که این گروه از مفسران به نزول پیوسته این سوره اطمینان خاطر داشته‌اند اما در تاریخ‌گذاری آن دچار تردید و تعارض شده‌اند.

طالقانی و سعید حوی نیز در ابتدای سوره ماعون درباره کیفیت نزول آن هیچ موضع مشخصی اتخاذ نکرده‌اند، اما در ادامه این سوره را کاملاً در بافت مدنی تفسیر نموده‌اند (طالقانی، ۴/۲۷۱؛ حوی، ۱۱/۶۷۰۰). زمخشری و ابن عاشور نیز در ابتدا این سوره را دارای نزول گسسته دانسته اما در ادامه همه آن را خطاب به مسلمانان مدینه معنا کرده‌اند (زمخشری، ۴/۸۰۳-۸۰۶؛ ابن عاشور، ۳۰/۴۹۴).

چهارم کسانی که قائل به نزول مکی سوره هستند، اما در تفسیر از پس این مهم برنیامده و سوره را به طور گسسته معنا کرده‌اند. این گروه سوم در واقع دومین دسته مفسران گروه اول نیز هستند که پیش‌تر هم درباره تعارض دیدگاه آنان توضیح داده شد. در این گروه به مفسرانی همچون مقاتل (۴/۸۷۱)؛ هواری (۴/۴۸۷)؛ سمرقندی (۳/۶۲۵)؛ قمی (۲/۴۴۵)؛ ابن‌ابی‌زمین (۵۴۶)؛ طوسی (۱۰/۴۱۴-۴۱۶)؛ ابوالفتوح (۲۰/۴۲۲-۴۲۵)؛ ثعلبی (۱۰، ۳۰۴-۳۰۶)؛ فخررازی (۳۲/۳۰۱-۳۰۶)؛ ابن‌کثیر (۸، ۶۷-۶۹)؛ سیوطی (۶/۳۹۹-۴۰۱)؛ فیض‌کاشانی (۵/۳۸۰-۳۸۱)؛ شوکانی (۵/۶۱۱-۶۱۴) می‌توان اشاره کرد.

درنهایت پس از تقسیم بندی اقوال مفسران قائل به نزول پیوسته سوره ماعون، دلایل آنان در اتخاذ این دیدگاه را چنین می‌توان برشمرد:

مهم‌ترین قرینه پیوستگی نزول آیات نیمه دوم سوره ماعون به نیمه نخست آن، فاء عطفی است که بر سر آیه ۴ آمده و مصلین ملامت شده را به آیات ابتدایی که درباره تکذیب گران دین است متصل نموده است (فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ) (آلوسی، ۱۵/۴۷۶؛ دروزه، ۲/۲۰؛ طباطبایی، ۲۰/۶۳۴؛ صادقی، ۳۰/۴۶۸). شوکانی نیز فاء در آیه ۴ را فاء جواب برای شرط محذوف دانسته که آیه ۴ را به ماقبلش مرتبط ساخته است (شوکانی، ۵/۶۱۲).

دومین قرینه در نزول پیوسته سوره ماعون، آهنگ یکنواخت آیات این سوره، مسجع بودن آیات آن و لحن کوبنده آن است که البته هر سه در دیگر سور مکی نیز قابل مشاهده است. دروزه به طور کلی به

انسجام و وزن ثابت آیات این سوره به عنوان قرینه‌ای در نزول پیوسته مکی آن اشاره کرده است (دروزه، ۲۰).

مرحوم طالقانی با تفصیل بیشتری از این آهنگ سخن گفته است. چنانکه آیات ۱-۳ هر یک دارای ایقاع خفیف و شدید است: *أَرَأَيْتَ الَّذِي - يَكْذِبُ بِالذِّينِ - فَذَلِكَ الَّذِي - يَدْعُ الْيَتِيمَ - وَلَا يَحْضُ - عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ*؛ از دیگر سو فواصل آیات تا آیه ۴ با- «یا، نون»- «میم، نون»- پیش می‌رود (بالدین، الیتیم، المسکین، للمصلین) آیات ۵ تا ۶ نیز تغییر لحن یافته و فواصل آیات به «واو، نون» تبدیل شده (ساهون، یراؤون، الماعون) تا اینکه در نهایت سوره با دو آیه کوتاه و یکسان ۷ و ۸ پایان می‌یابد (طالقانی، ۴/ ۲۷۵). افزون بر این آهنگ یکنواخت، طول آیات سوره ماعون نیز به شدت به هم نزدیک است. چنانکه آیات ۱ و ۲ هر کدام چهار کلمه دارند. آیه ۳، پنج کلمه‌ای و آیه ۴ دو کلمه‌ای است. آیه ۵ دارای پنج کلمه، آیات ۶ و ۷ نیز هر یک دارای سه کلمه است. (*أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ (۱) فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲) وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳) قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يَرَأُونَ (۶) وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (ماعون/۷)*) چنانکه هویداست طول حجم همه آیات در یک اندازه است و این خود قرینه‌ای بر نزول پیوسته آن هاست. افزون بر آنکه حجم کوتاه این آیات و مشابهتشان به سایر سوره کوتاه مکی، مؤیدی بر نزول مکی این سوره نیز هست.

کوتاهی سوره ماعون، سومین مؤید نزول پیوسته این سوره و البته مکی بودن آن است. چنانکه دیگر سوری که چنین حجم کوتاهی دارند و اتفاقاً در ترتیب مصحف و ترتیب نزول نیز در جوار یکدیگر قرار گرفته‌اند، همگی یک پارچه نازل شده و مکی هستند. برای نمونه سوره توحید، قریش، فیل، کوثر، تکاثر، ضحی، کافرون و معوذتین را می‌توان مثال زد. لذا با توجه به آنکه هیچ سوره کوتاهی نیست که نزول گسسته داشته باشد، در نزول گسسته سوره ماعون نیز باید تردید جدی نمود.

نقد و بررسی دیدگاه‌ها

چنانکه گذشت نقطه قوت دیدگاه دوم آن است که با گسست در نزول سوره ماعون، تعارض ظاهری میان صدر و ذیل مخاطبان مورد مذمت این سوره را حل کرده؛ لیکن هیچ پاسخی در برابر چرایی اعتقاد به نزول گسسته یک سوره کوتاه‌آهنگین با طول حجم یکسان آیاتش نداده است. از آن فراتر به فاء عطف در مصلین که به وضوح پیوند دهنده آیات سوره ماعون است نیز نپرداخته و این پیوند ظاهری را تحلیل نکرده است. چنانکه قول اجماعی در جداول ترتیب نزول و قول مشهور در میان متقدمان مبنی بر نزول کامل مکی یا کامل مدنی این سوره را نیز نادیده گرفته است.

در مقابل قائلان به دیدگاه نزول پیوسته بر قرآن لفظی همچون فاء عطف، وزن آیات، طول حجم آن‌ها و

تعدادشان از یک سو و بر اقوال مفسران متقدم در نزول پیوسته این سوره و جایگاهی که سوره ماعون در روایات ترتیب نزول داشته از دیگر سو تکیه کرده‌اند. افزون بر آنکه در نزول گسسته این سوره و سپس اتصال آیات مکی به مدنی و تشکیل این فقره کوچک وحی نیز حکمتی نیافته‌اند (دروزه، ۲۰/۲).

گروه دوم با پذیرش نزول پیوسته سوره ماعون، ناچار به حل تعارض مخاطبان صدر و ذیل سوره شده‌اند و برای این منظور دیدگاه‌های مختلفی در تاریخ گذاری این سوره اتخاذ نموده‌اند. برخی کل سوره را مدنی و خطاب به مسلمانان دانسته‌اند، برخی نیز کل سوره را مکی و باز خطاب به مسلمانان دانسته‌اند. هرچند به نظر می‌رسد راهکار سومی را نیز می‌توان اتخاذ نمود که در ادامه مورد کاوش قرار خواهد گرفت.

در نهایت با اتکا به قرائن متعددی که مؤید نزول دفعی این سوره است و پاسخ به تعارض محتوایی آن از سوی دیگر می‌توان قاطعانه حکم به نزول پیوسته سوره ماعون داد. سپس از این نقطه به سؤال دوم این پژوهش راه یافت و به مکی یا مدنی بودن این سوره پرداخت.

بررسی تاریخ گذاری سوره ماعون

مفسران در تعیین مکی یا مدنی بودن سوره ماعون دیدگاه‌های گوناگونی اتخاذ کرده‌اند.

نزول مکی

نخستین دیدگاه در تاریخ گذاری سوره ماعون، مکی قلمداد کردن کل این سوره است. این نظریه چنان شهرتی داشته که قائلان آن قابل تفکیک به چند گروه هستند.

نخست جداول ترتیب نزول که چنانکه پیش تر نیز بیان شد، متفقاً این سوره را هفدهمین سوره مکی معرفی نموده‌اند (بهجت پور، ۴۸۹/۱).

دوم مفسران اولیه از طبقه صحابه و تابعین که این سوره را مکی خوانده‌اند. چنانکه مکی بودن سوره ماعون به ابن عباس (طوسی، ۴۱۴/۱۰)، عطاء بن ابی رباح و جابر بن عبدالله انصاری منسوب شده است (ماوردی، ۳۵۰/۶) حتی این دیدگاه، نظر مشهور میان مفسران خوانده شده است (طبرسی، ۸۳۲/۱۰). سوم مفسرانی که سوره ماعون را مکی خوانده و آیات آن را نیز مکی تفسیر نموده‌اند (ابن عطیه، ۵۲۷-۵۲۸؛ آلوسی، ۴۷۴-۴۷۷؛ دروزه، ۲۰-۲۴).

چهارم مفسرانی که باز به مکی بودن سوره ماعون اعتقاد داشته‌اند، هرچند در تفسیر سوره از پس تعارضات برنیامده و آن را گسسته معنا کرده‌اند. به مفسران برجسته این گروه پیش تر اشاره شد.

افزون بر شهرت نظریه نزول مکی تمام سوره ماعون در میان مفسران، همچنان به قرائنی در درون متن این سوره برای تقویت مکی بودن آن نیز می‌توان استناد کرد که به شرح ذیل است:

قرائن لفظی نزول مکی سوره ماعون

پیش‌تر ضمن بررسی قرائن نزول پیوسته سوره ماعون به مواردی همچون آهنگین بودن آیات این سوره، کوتاهی طول آیات و کوتاهی حجم کلی سوره تصریح شد که همگی مؤید نزول مکی این سوره نیز هست. درحالی‌که سوره مدنی با شاخصه‌هایی همچون آهنگین بودن، کوتاهی آیات و کوتاهی سوره شناخته نمی‌شوند؛ جز محدود سوره مدنی همچون سوره نصر. از این فراتر حتی این شاخصه‌ها در همه سوره مکی نیز به چشم نمی‌آید؛ بلکه مشخصات فوق در سوره کوتاهی که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها در سال‌های اولیه مکی نزول یافته، قابل ردیابی است. برای نمونه به سوری همچون علق، قلم، مدثر، مزمل، فاتحه، مسد، تکویر، اعلی، لیل، ضحی، شرح، عصر، عادیات، کوثر، تکاثر، ماعون، کافرون، فیل، فلق، ناس و اخلاص که در صدر سوره جداول ترتیب نزول نیز واقع شده می‌توان استناد نمود (دروزه، ۱/ ۱۵). در نتیجه برحسب قرائن لفظی سوره ماعون، نه تنها مکی بودن آن اثبات می‌گردد، بلکه تاریخ‌گذاری آن با توجه به جایگاهش در جداول ترتیب نزول، به طور تقریبی به سال دوم بعثت می‌رسد.

قرائن معنایی نزول مکی سوره ماعون

سوره ماعون با آیه «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ» آغاز شده که به وضوح در نقد تکذیب‌گران دین است. چنانکه گذشت مراد از دین را برخی شریعت اسلام و برخی قیامت دانسته‌اند (اسماعیلی زاده، ۴۳-۴۴). با این وجود هریک از معانی که اتخاذ گردد، ویژگی تکذیب‌گری آشکار، در زمره خصائص مشرکان به شمار آمده که در مجادلات مکه به آن تصریح شده است. چنانکه آیات متعدد دیگری نیز مشرکان را به سبب تکذیب‌گری مذمت کرده یا به پیامبر دل‌داری داده که مشرکان دیگر امت‌ها نیز پیامبرانشان را تکذیب می‌کردند (قلم: ۴۴؛ نمل: ۸۳؛ الرحمن: ۴۳؛ فاطر: ۴ و ۲۵؛ انعام: ۳۳؛ عنکبوت: ۱۸؛ مؤمنون: ۱۰۵؛ انفطار: ۹).

از این رو مفسران متعددی آیه نخست سوره ماعون را به وضوح خطاب به مشرکان مکه معنا نموده‌اند (هواری، ۴/ ۴۸۷؛ فراء، ۳/ ۲۹۴؛ مقاتل، ۴/ ۸۷۱؛ سمرقندی، ۳/ ۶۲۵؛ قمی، ۲/ ۴۴۵؛ طبری، ۳۰/ ۲۰۰، طوسی، ۱۰/ ۴۱۴-۴۱۶؛ فخررازی، ۳۲/ ۳۰۱-۳۰۶).

دومین قرینه، واژه «أَرَأَيْتَ» در سوره ماعون است. قابل توجه آنکه این واژه در شش آیه دیگر به کار رفته که همگی مکی است. افزون بر آن، این واژه سه بار در سوره علق که اولین یا دومین سوره قرآنی است استعمال شده (علق: ۹، ۱۱، ۱۳) که نشانگر آن است که برهه زمانی استعمال این واژه در سوره اولیه مکی بوده است.

سومین قرینه، آیه «وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ» است که تنها یکبار دیگر در سوره حاقه استعمال

شده که آن نیز سوره‌ای مکی است. این تشابه نشانگر آن است که مسئله تخصیض به طعام مسکینان مسئله مورد نیاز در جامعه مکه بوده است.

نزول مدنی

از مفسران قائل به نزول مدنی سوره ماعون، در قالب دو گروه می‌توان یاد کرد: نخست متقدمانی از جمله ضحاک (طوسی، ۱۰/۴۱۴؛ طبرسی، ۱۰/۸۳۲)، ابن عباس و قتاده که مدنی بودن این سوره به آنان نسبت داده شده است (ماوردی، ۶/۳۵۰). دوم مفسرانی که این سوره را مدنی دانسته و آیات آن را نیز در بافت مدینه و خطاب به منافقان معنا نموده‌اند (صادقی، ۳۰/۴۶۴-۴۷۰؛ حوی، ۱۱/۶۷۰۰-۶۷۰۵؛ قاسمی، ۹/۵۵۲-۵۵۳). علامه طباطبایی نیز هرچند میان مکی یا مدنی بودن این سوره تردید نموده اما آن را خطاب به منافقان معنا کرده است (طباطبایی، ۲۰/۶۳۳).

قرائن معنایی نزول مدنی سوره ماعون

آیه ۴ سوره ماعون به مذمت مصلین پرداخته است. قابل توجه آنکه در بسیاری از موارد صلاه به عنوان یکی از شاخصه‌های مؤمنان به کار رفته است (انعام: ۹۲؛ مؤمنون: ۲؛ معارج: ۲۳ و ۳۴). از دیگر سو آیه ۶ سوره ماعون به ریاکار بودن این نمازگزاران اشاره کرده است «الَّذِينَ هُمْ يَرَاؤُنَ» (ماعون: ۶) خصلتی که در منافقان مدینه قابل مشاهده است که نماز را از سر ریا بخوانند. چنانکه آیه ۱۴۲ سوره نساء به صراحت درباره نماز آمیخته به ریا منافقان سخن گفته است «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يَرَاؤُنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء: ۱۴۲) سایر مشتقات ریا نیز در سور مدنی و خطاب به مسلمانان به کار رفته و انفاق ریاکارانه آنان را مذمت نموده است (بقره: ۲۶۴؛ نساء: ۳۸؛ انفال: ۴۷). در مجموع کنار هم قرارگرفتن آیات ۴ و ۶ ماعون موجب شده تا بسیاری از مفسران این آیات را خطاب به منافقان مدینه معنا نمایند. حال برخی از این مفسران در عمل قائل به نزول گسسته بوده و تنها این آیات را مدنی دانسته‌اند که دیدگاه آنان پیش‌تر مورد نقد واقع شد؛ و برخی دیگر این سوره را در ابتدا مکی خوانده، اما در تفسیر همه آن را خطاب به منافقان مدینه دانسته‌اند که باز دچار تعارض شده‌اند. هرچند به دیدگاه این مفسران در تاریخ گذاری سوره ماعون نمی‌توان اتکا کرد، اما از تعارض تفسیری آنان می‌توان به اهمیت این قرینه معنایی در سوق دادن سوره ماعون به سمت سور مدنی استناد کرد.

نقد و بررسی دیدگاه‌ها در تاریخ گذاری سوره ماعون

تنها اشکال وارد بر نزول پیوسته سوره ماعون، تضاد ظاهری عبارات صدر و ذیل این سوره است.

چنانکه از سویی اطلاق تکذیب‌گران دین بر منافقان مدینه عجیب است و از سوی دیگر نكوهش مصلّین در دیگر آیات این سوره و پذیرش وجود نفاق در سال‌های نخست بعثت. ازاین‌رو در ادامه شناسایی مخاطبان این سوره مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی مخاطب آیات عتاب در سوره ماعون

مفسران در راستای حل تعارض ظاهری مخاطبان آیات ابتدایی و میانی سوره دیدگاه‌های گوناگونی اتخاذ نموده‌اند که بر دو محور اصلی خطاب به مسلمانان یا خطاب به مشرکان قرار گرفته و به شاخه‌های ذیل تقسیم شده است:

مسلمانان

دیدگاه پر استقبال در میان مفسران، مخاطب واقع شدن مسلمانان در سراسر این سوره است که به سبب تعارض با قرائتی که مکی بودن این سوره را تقویت می‌نماید، به وجوه گوناگون ذیل تقسیم شده است:

خطاب به مسلمانان منافق (در مکه)

به باور برخی مفسران سوره ماعون مسلمانان مکه را مورد نقد قرار داده است. ابن عطیه و ثعالبی در عبارات کاملاً یکسان، این سوره را مکی و خطاب به برخی مسلمانان مضطرب در اسلام تبیین نموده‌اند که گاهی با مسلمانان نماز می‌خواندند اما همچنان در حیرت بوده و به صفات مذموم این سوره مبتلا بودند (ابن عطیه، ۵/۵۲۷؛ ثعالبی، ۵/۶۳۰).

مفسر دیگری سوره ماعون را سوره‌ای دفعی النزول و بدون تردید مکی دانسته است. سپس در راستای تبیین مراد از مصلّین، به پدیده نفاق پرداخته و آن را بیش از آنکه معلول عوامل بیرونی بدانند، به ذات افراد مرتبط دانسته است. به این معنا که او مسلمانان سست ایمان را نیز منافق خوانده است. از سوی دیگر مراعات پیامبر با مسلمانان نیز زمینه‌ساز ایجاد نفاق در میان مسلمانان ضعیف بوده؛ هرچند شرایط نیز تشدیدکننده انگیزه‌ها برای مسئله نفاق بوده است. ازاین‌رو در مدینه با شکل‌گیری حکومت اسلامی، زمینه‌های بیشتری برای گسترش نفاق فراهم آمد. در نتیجه در مکه هرچند غالب مسلمانان اخلاص داشتند، اما منافقانی نیز می‌زیستند. در مدینه نیز هرچند نفاق زیاد بوده اما مسلمانان حقیقی هم بسیار بودند. وی در نهایت نفاق را عارضه هر دو دوران مکه و مدینه دانسته، هرچند ظهور آن‌ها متفاوت بوده است (حسن طه، ۴۳۴-۴۳۷).

بهجت پور نیز هرچند احتمال نزول گسسته سوره ماعون را قوی دانسته، اما با این وجود به نزول پیوسته این سوره متمایل شده و البته نزول مدنی آن را نیز ضعیف دانسته است. ازاین‌رو بر آن شده تا نشان

دهد پدیده نفاق از روزهای نخست اسلام آغاز شده و در این باره به آیه ۳۱ سوره مدثر استناد کرده که خداوند فرموده کسانی که کافرند و کسانی که قلب‌های بیمار دارند، در تعداد موکلان جهنم مجادله می‌نمایند. وی پس از این استناد، به نزول پیوسته سوره ماعون معتقد شده و آیات متعددی را از سور مکی ذکر کرده که گمراهی امت‌های قبل به سبب تضييع نماز و پیروی از شهوات بوده (مریم/۵۵-۵۶)، یا مؤمنان حقیقی با شاخصه نماز و زکات شناخته شده‌اند (نمل/۳-۵، معارج/۱۹-۳۵؛ مؤمنون/۱-۱۰) و از مجموع این آیات چنین نتیجه گرفته که جامعه ایمانی از نظر خداوند جامعه آمیخته به زکات و نماز است. وی از این آیات مکی چنین نتیجه گرفته که سوره ماعون نیز مضمونی مشابه دارد و در همین بافت قابل تحلیل است (بهجت پور، ۱/۴۸۹-۴۹۳).

آنچه در قلم این مفسر هویداست، تغییر رویکردهای متعدد است. وی ابتدا نزول گسسته را مطرح کرده اما یکباره به نزول پیوسته معتقد شده؛ سپس نفاق را پدیده ابتدای اسلام دانسته اما در ادامه به آیه‌ای از سوره‌هایی که در سال‌های میانی به بعد در مکه نازل شده‌اند، استناد کرده است. از دیگر سو آیه‌ای که بدان‌ها استناد نموده، همگی نماز و زکات را صفات مؤمنان اعلام کرده، اما نقدی به آنان وارد نکرده، درحالی‌که سوره ماعون خطاب به نمازگزاران ریاکار مکذّب دین است. لذا تفاوت مضمونی این آیات مانع از اثبات پدیده نفاق به وضوح و شدت مطرح شده در سوره ماعون حتی در همان سال‌های میانی است. دروزه نیز ابتدا قرائن قوی مبنی بر نزول پیوسته و مکی این سوره ارائه کرده، سپس مخاطبان آن را به اعتبار واژه مصلّین، مسلمانان دانسته و آزار یتیم و مسکین را جزئی از عوامل منجر به تکذیب آخرت و نه تنها عامل آن معرفی نموده است (دروزه، ۲/۲۱-۲۲).

ابن عاشور هرچند نزول گسسته این سوره را ترجیح داده آیات نیمه دوم را خطاب به منافقان دانسته، با این وجود مراد از آیات عتاب آمیز سوره ماعون را تحذیر مسلمانان معنا کرده که مبدا به آسیب‌های مطرح در این سوره مبتلا شوند و بدانند نمازگزاری که مانع خیر است و به ریا آلوده شده همچون کسی است که روز جزا را انکار نموده است (ابن عاشور، ۳۰/۴۹۴-۴۹۶).

پیشگویی درباره مسلمانان منافق مدینه

دومین دیدگاه در این حوزه را بازرگان مطرح کرده که این سوره را دارای نزول دفعی در سال دوم مکه دانسته و سپس برای رفع تعارضات به ایده‌ای جدید در شناخت مخاطبان این سوره متوسل شده است. وی مضمون این سوره را ناظر به مخاطبان حاضر ندانسته و آن را از باب اخبار غیبی برای پیامبر معنا کرده است. بدین سان که خداوند این سوره را نازل نموده تا به پیامبرش خبر دهد در آینده عده‌ای به تو ایمان آورده و نماز خواهند گزارد، لیکن در میان آنان عده‌ای اهل ریا شده و خود و دیگران را از خیر و بخشش

بازمی‌دارند. این عده در واقع مؤمنان مشرک یا همان منافقان هستند (بازرگان، ۲۱/۳۰۵-۳۰۶).

خطاب به مسلمانان منافق (در مدینه)

سومین وجه خطاب این آیات به مسلمانان که البته پرتطرفدارترین وجه هم به شمار می‌آید، نزول این سوره خطاب به مسلمانان منافق مدینه است. مفسرانی که این دیدگاه را برگزیده‌اند به آیات مذمت مصلّین ریاکار توجه ویژه نموده و سپس سعی نموده‌اند تا تکذیب‌گری دین را نیز به همین گروه نسبت دهند تا همه سوره خطاب به منافقان تلقی شده و تعارضات صدر و ذیل آن مرتفع گردد.

چنانکه برخی مفسران تلاش کرده‌اند تا اثبات نمایند تکذیب دین، همواره تکذیب کل اسلام و معادل شرک نیست. کسی که برخی اعمال دینی را انجام نمی‌دهد، همان‌ها را تکذیب کرده و به همان اندازه مکذّب در دین است. در این سوره نیز کسی که به فریاد یتیم و مسکین نمی‌رسد احکام اجتماعی دین (نه اعتقادی که شرک باشد) را تکذیب کرده؛ همین فرد در نماز که یک عمل فردی است نیز کوتاهی می‌کند. لذا هدف این سوره اثبات اهمیت توأمان حقوق الهی با حقوق مخلوقات است (صادقی، ۳۰/۴۶۴؛ فضل الله، ۲۴/۴۳۷-۴۳۹).

علامه طباطبایی براین باور است که در این سوره تکذیب‌گر روز جزا به نمازگزاران کاهل و متاع الخیر و منافق تطبیق شده و فاء سر مصلّین بیانگر این ارتباط است. زیرا تکذیب روز جزا تنها به این نیست که کسی به کلی آن را منکر شود، بلکه کسی که تظاهر به ایمان می‌کند و نماز را منافقانه می‌خواند، عملاً نشان می‌دهد باکی از روز جزا ندارد و در نتیجه او نیز روز جزا را تکذیب کرده است (طباطبایی، ۲۰/۶۳۴). زمخشری نیز در معنای مکذّب، تعابیر نزدیکی از ضعف ایمان و عقیده ارائه کرده است (زمخشری، ۴/۸۰۴).

طالقانی نیز مراد از تکذیب‌گری دین در سوره ماعون را تکذیب حقیقی دین در باطن فرد دانسته که نیازی نیست حتماً آن را به زبان آورد. از این رو مسلمانی که حقیقتاً به شریعت التزام ندارد، تکذیب‌گر دین به شمار می‌رود (طالقانی، ۴/۲۷۲).

سعیدحوی از آیات ابتدایی سوره بقره که در وصف منافقان نازل شده و آنان را بی‌ایمان به خداوند و روز قیامت خوانده و تکذیب‌گر معرفی‌شان کرده، «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ* يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ* فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (بقره: ۸-۱۰)، برای پیوند آیات ابتدایی و میانی سوره ماعون استفاده نموده است. وی با این شاهد مثال مراد از تکذیب‌گران دین در آیه اول سوره ماعون را نیز منافقان دانسته است (حوی، ۱۱/۶۷۰۰-۶۷۰۲).

نویسنده محاسن التأویل از پیوند آیات ۱-۳ سوره ماعون استفاده کرده و مدعی شده مراد از تکذیب‌گر دین کسی است که یتیم را از خود می‌راند و طبیعی است که چنین تکذیب‌گری هم می‌تواند مسلمان و هم غیر مسلمان باشد (قاسمی، ۹/۵۵۲).

مغنیه نیز در معنایی مشابه، ابتدا مراد از یتیم را عام‌تر از یتیم حقیقی تلقی کرده و آن را به هر فرد ضعیفی تعمیم داده، سپس مکذّب دین را نه الزاماً کافر، بلکه هر ظالمی دانسته که شامل مسلمانان نیز می‌شود و در نهایت چنین نتیجه گرفته که محور این سوره پیوند دادن ایمان و عمل با یکدیگر و یکی نمودن آن‌هاست (مغنیه، ۷/۶۱۴).

مشرکان مکه

معرفی مشرکان به عنوان مخاطبان این سوره، دومین نظریه اصلی ذیل سومین سؤال این پژوهش است. این نظریه برخلاف نظریه قبل و همه شاخه‌هایش، نیازمند هیچ توجیهی در خصوص آیات نخست سوره ماعون که به تکذیب‌گری دین توسط این گروه تصریح داشته، نیست. زیرا این مقوله بارزترین ویژگی مشرکان به شمار می‌آید. لیکن مصلّین خواندن مشرکان دست کم در وهله نخست امری دشوار است. زیرا عموماً مفسران صلاه را به حقیقت شرعیه نزد مسلمانان معنا کرده و مصلّین را بر هر گونه صفات مذمومی هم که قرین شده باشد، بر منافقان که ظاهر نماز را به پا می‌دارند، حمل می‌کنند. از این رو برای بازنگری در مصداق مصلّین در سوره ماعون که در زمره نخستین سور مکی است، به چهار گروه از آیات ذیل می‌توان استناد کرد:

نخست آنکه صلاه طبق آیات متعدد در سایر ادیان الهی نیز وجود داشته و اقامه صلاه یکی از فرائض ثابت پیامبران معرفی شده است. چنانکه ابراهیم خلیل به صراحت دعا فرموده که خداوند او و ذریه‌اش را اهل نماز قرار دهد. «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم: ۴۰) حضرت موسی در اولین تعاملات مأمور به اقامه نماز گشت (طه: ۱۴). حضرت عیسی در بدو تولد خود را نمازگزار توصیف نمود (مریم: ۳۱) و حضرت شعیب به سبب اقامه نمازش و دعوتی که در پی آن داشت، مورد تمسخر امتش قرار گرفت (هود: ۸۷). از مجموع این آیات به وضوح سابقه دیرینه و همیشگی صلاه در دیگر ادیان الهی از جمله شریعت ابراهیم خلیل که مشرکان به ظاهر از آن تبعیت می‌نمودند، قابل مشاهده است. چنانکه مشرکان از دیگر عبادات شریعت حضرت ابراهیم همچون حج نیز پیروی می‌کردند؛ هر چند دچار خطاها و انحرافات بودند. افزون بر آنکه مسلم است شکل صلاه در این ادیان متفاوت بوده و در نتیجه این واژه به طور کلی بر یک عبادت مستمر اطلاق شده و الزاماً به معنای حقیقت شرعیه معهود نزد مسلمانان نبوده است.

دوم در آیات قرآن حتی تا سال‌های پایانی مدینه، صلاه بارها به عنوان درود و دعا به کار رفته و منحصر در نماز به عنوان حقیقت شرعیه نشده است (ر.ک: بقره: ۱۵۷؛ احزاب: ۵۶؛ توبه: ۱۰۳؛ نور: ۴۱؛ توبه: ۹۹؛ احزاب: ۴۳).

سوم در آیه ۳۵ سوره انفال به صلاه مشرکان تصریح شده که نشان از وجود یک عمل عبادی معین تحت عنوان صلاه در میان آنان دارد که طبعاً شکل انحراف یافته‌ای از صلاه در شریعت ابراهیم خلیل است. «وَ مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مَكَاءً وَ تَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (انفال: ۳۵) خداوند در آیه مذکور صلاه مشرکان را سوت زدن و کف زدن توصیف کرده و همزمان وعده عذاب را به سبب کفرشان به آنان داده است. از این آیه دو نکته را می‌توان استفاده کرد. نخست آنکه علی‌رغم آنکه صلاه مشرکان هیچ ارتباطی با صلاه معهود نزد مسلمانان نداشته اما باز بر عمل عبادی آنان صلاه اطلاق شده است. دوم خداوند صلاه و کفر و عذاب دوزخ را در این آیه برای مشرکان جمع کرده است. در نتیجه در موضعی دیگر همچون سوره ماعون نیز قابل پذیرش است که برای عمل عبادی مشرکان صلاه به کار رود و در عین حال بر تکذیب‌گری آنان تأکید شود.

چهارم؛ در سوره مدثر که آن نیز در زمره نخستین سوره مکی است، آیاتی مشابه با سوره ماعون ذکر شده و خصائص مجرمانی که به عذاب دوزخ مبتلا شده‌اند را چنین برشمرده: مجرمان علت ورود به سقر را عدم اقامه صلاه، عدم اطعام به مسکینان، همنشینی پیوسته با اهل باطل و تکذیب روز قیامت برشمرده‌اند. «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ (۳۸) إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِيْنِ (۳۹) فِي جَنّٰتٍ يَسْرَءُلُوْنَ (۴۰) عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ (۴۱) مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲) قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّيْنَ (۴۳) وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِيْنَ (۴۴) وَ كُنَّا نَحْوُصُّ مَعَ الْخَائِيضِيْنَ (۴۵) وَ كُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّيْنِ (۴۶) حَتَّىٰ آتَانَا الْبَقِيْعُ (مدثر: ۴۷).

این آیات به وضوح مشابه آیات سوره ماعون است که خداوند به مذمت کسانی پرداخته که روز قیامت را تکذیب می‌نمایند، یتیم را از خود می‌رانند و به او ظلم می‌نمایند؛ دیگران را به اطعام مسکینان تشویق نمی‌کنند؛ نمازی می‌خوانند که از روی سهو و نسیان از یاد پروردگار و ریا است و از خیر به دیگران نیز منع می‌نمایند. (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اَرَاَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالَّذِيْنَ (۱) فَذٰلِكَ الَّذِيْ يَدْعُ الْيَتِيْمَ (۲) وَ لَا يَحْصُصُ عَلٰى طَعَامِ الْمَسْكِيْنَ (۳) فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّيْنَ (۴) الَّذِيْنَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُوْنَ (۵) الَّذِيْنَ هُمْ يَرٰوْنُ (۶) وَ يَمْنَعُوْنَ الْمَاعُوْنَ (ماعون: ۷) با تکیه بر مکی بودن این سوره و نزول آن در ابتدای این دوران که تنها مخالفان آیین جدید مشرکان به شمار آمده و همه آیات در عتاب به ایشان نازل گردیده، می‌توان به عنوان قرینه‌ای بر نزول سوره ماعون در زمانی نزدیک به نزول سوره مدثر استفاده نمود و مخاطبان هر دو را یکی دانست.

برحسب یافته‌های این پژوهش تنها صاحب تفسیر معارج التفکر قائل به این نظریه است. وی مراد از

صلاه ریاکارانه مشرکان را تمسک به صلاه حضرت اسماعیل دانسته که البته به شرک آمیخته بودند و صرفاً برای جلب منافع مادی به آن تکیه می‌کرده‌اند. چنانکه خود را اهل الحجیج، اهل السدانه و اهل السقایه می‌خواندند تا حرمت شریعت را حفظ نموده و از اعتبارات دینی آن برای تفاخر و سروری استفاده کنند (حبنکه، ۱/ ۴۹۴-۴۹۵). برخی دیگر نیز صلاه در سور ابتدایی مکه همچون سوره ماعون را حتی برای مسلمانان نیز به معنای حقیقت شرعیه ندانسته و به عبادت کلی و ارتباط با خدا معنا کرده‌اند (بازرگان، ۲۱/ ۳۰۵-۳۰۶).

در این میان بازرگان برداشتی نو از واژه یراؤون داشته و ریا را برخلاف دیگران منحصر در نماز آنان نکرده است. بلکه ریاکاری را خصلتی دانسته که در انفاق دارند. از این رو این مخاطبان مذمت شده هرچند در ظاهر وجهه و اعتباری به سبب بخشش‌های خود دارند، اما حقیقت این بخشش‌ها چیزی جز ریا نیست. لذا در مواضع اصلی انفاق که رعایت یتیم و مسکین است از کمک دریغ کرده و مانع خیررسانی دیگران نیز می‌شوند (بازرگان، ۲۱/ ۳۰۶).

نقد و بررسی دیدگاه‌ها درباره مخاطب آیات عتاب

چنانکه بیان شد دیدگاه نخست مخاطبان این سوره را مسلمانان مضطرب مکه معرفی نموده که علی‌رغم نمازی که می‌خواندند اما همچنان در دینداری سرگردان بوده و به صفات مذموم سوره مبتلا بوده‌اند. لیکن قائلان به این دیدگاه توضیحی در خصوص زمان نزول این آیات و اینکه این گروه از مسلمانان در چه برهه‌ای در مکه حاضر بودند، ارائه نکرده‌اند. درحالیکه بنا بر گزارش‌های متعدد کسانی که تا اواخر دوران مکه در فشار شعب ابی طالب، مهاجرت به حبشه و شکنجه‌های سخت به اسلام می‌گرویدند، دچار حیرت و تردید نبودند. از دیگر سو انگیزه مادی و منفعت ظاهری در پی مسلمان شدن وجود نداشته که فردی با تردید در حقانیت اسلام، همچنان به مسلمانی جذب شود. در این میان حسن طه، سست ایمانان مکه را نیز منافقانی خوانده که در سوره ماعون مذمت شده‌اند؛ اما او توضیح نداده در شرایطی که مسلمانان در عسر و حرج فراوان هستند، به‌ویژه تا پس از نیمه اول دوران مکه، چه انگیزه‌ای برای کسی که ایمان در قلب او نفوذ نکرده وجود دارد که مسلمان شود و شکنجه و محدودیت تحمل نماید. از دیگر سو با فرض پذیرش شکل گیری نفاق در دوران مکی، آیا این پدیده به حدی جدی و درخور است که گروهی از مسلمانان حق یتیم را بخورند، مسکین را برانند، از خیر ممانعت نموده و قیامت را تکذیب کنند؟ ابن عاشور نیز صرفاً این آیات را به منظور هشدار برای مسلمانان مکه دانسته؛ اما از یک سو چنین نهی‌های سنگینی نشان از عتاب و نه هشدار داشته و از سوی دیگر چنین هشدارهای شدید اللحنی، موقعیت مسلمانان انگشت شمار مکه در سال‌های نخست بعثت را در برابر مشرکان متزلزل می‌نموده است. لذا نزول این آیات

به منظور تحذیر و هشدار طبیعی نیست.

در دیدگاه دوم، بازرگان این مذمت‌ها را پیشگویی وضعیت آینده مسلمانان خوانده است. درحالی‌که وی به ظواهر آیات این سوره توجه نداشته که با واژه «أُزَیَّتْ» آغاز شده و به افراد حاضری که چنین خصائصی داشتند اشاره کرده؛ نه آنکه پیش از ابتلای جامعه مسلمانان به این آسیب‌ها از آنان سخن گفته باشد. همچنین وی به این سؤال پاسخ نداده که مراد از تکذیب دین توسط مسلمانان در آینده چیست. افزون بر آنکه هیچ حکمتی در بیان این خبر غیبی بیان نکرده است. در شرایطی که پیامبر در سخت‌ترین تنگناها قرار گرفته که خداوند او را با اخبار غیبی یاری می‌رساند، بیان این حقیقت که در نهایت زحمات او منجر به رشد منافقان خواهد شد، چه گره‌ای از کار پیامبر می‌گشاید و حضرتش چه آرامشی از این خبر دریافت می‌نماید، جز آنکه پیامبر را مأیوس نماید؟ به ویژه آنکه این سوره دست کم مسلمانان را به دو قسم صالحان و منافقان تقسیم نکرده بلکه تنها از اوصاف بدترین گروه سخن گفته است.

دیدگاه سوم به صراحت مخاطبان این سوره را منافقان مدینه دانسته تا در عمل نیز بتواند قائل به نزول پیوسته این سوره باشد. لیکن این گروه به قرائن متعدد درون متنی و برون متنی سوره ماعون که آن را سوره‌ای مکی معرفی کرده عنایتی نداشته‌اند و از دیگر سو توجیهاتی برای انطباق تکذیب‌گری دین با خصایص منافقان مطرح نموده‌اند که از سیاق آیات قرآن دور به نظر می‌رسد. چرا که هرچند منافقان با سخت‌ترین عتاب‌ها در اواخر دوران مدینه مورد خطاب قرار گرفته‌اند، لیکن هیچ‌گاه آشکارا قیامت یا اسلام را تکذیب نمی‌نمودند؛ بلکه همواره به اسلام و پیامبری رسول خاتم اقراری دروغین داشته‌اند که خداوند سعی در رسوا نمودن دروغ‌گویی آنان دارد (منافقون: ۱-۴؛ توبه: ۶۲ و ۷۴). درحالی‌که از یک سو آیات فراوانی از تکذیب‌گری مشرکان در طول تاریخ خبر داده (ر.ک: دلایل مکی بودن سوره ماعون) و از دیگر سو آیات مشابهی در سوره مدثر که اوایل مکه نازل گردیده از عذاب مجرمان برای صفات مشابهی که در سوره ماعون ذکر شده خبر داده است (مدثر: ۳۹-۶۷) از این رو حمل مخاطبان این سوره بر منافقان مدینه توجیهی تکلف آور به شمار می‌آید.

دیدگاه چهارم مخاطبان این سوره را مشرکان مکه معرفی نموده است. این دیدگاه برخلاف سایر نظریات نیازمند هیچ توجیهی در خصوص آیات نخست سوره ماعون که به تکذیب‌گری دین توسط مشرکان تصریح داشته، نیست. لیکن نیازمند توضیحات درباره مصلین بودن آنان هست. لذا چهار دسته از آیات در کشف مفهوم مصلین و ارتباط آن با مشرکان راهگشاست. نخست آیاتی که صلاه را عبادت مشترک همه ادیان معرفی کرده است. دوم آیاتی که صلاه در آن‌ها به معنای عبادت، درود و دعا آمده و منحصر در حقیقت شرعیه نیست. سوم آیاتی که به وجود صلاه در میان مشرکان، تصریح کرده است. چهارم آیات

مشابه در سوره مدثر که گویی بازگویی دوباره آیات سوره ماعون بوده و از عذاب مجرمان به سبب ابتلا به آن خصایص پرده برداشته است. از مجموع این آیات و توجه به نزول سوره ماعون در ابتدای دوران مکه که هنوز نماز در میان مسلمانان نیز شکل متکامل امروزی خود را نیافته و واژه نیز به حقیقت شرعیه تبدیل نشده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که خداوند مشرکانی که به تبعیت از سنت ابراهیم خلیل عبادت ظاهری می‌کنند اما در عین حال در عبادت خود ریاکارند و در عمل از این عبادت بهره‌ای نبرده و قیامت را تکذیب می‌نمایند و حقوق یتیم و مسکین را تضییع کرده و مانع نیکی به دیگران می‌شوند را مورد توبیخ قرار داده است. طبق معنای دوم نیز خداوند مشرکانی که در ظاهر عبادت خدا می‌کنند اما در عین حال در اتفاق‌های خود ریاکار بوده و از بخشش‌های حقیقی دریغ می‌ورزند را مذمت کرده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سه موضوع کیفیت نزول، زمان نزول و مخاطبان اولیه سوره ماعون مورد بررسی قرار گرفت. با تکیه بر کوتاهی طول آیات، کوتاهی حجم سوره، مسجع بودن آیات، فاء عطفی که آیات میانی را به آیات اولیه مربوط ساخته، جایگاه این سوره در روایات ترتیب نزول و دیدگاه غالب در میان صحابه، نزول پیوسته این سوره در سال‌های نخست دعوت پیامبر در مکه اثبات گردید. سپس با توجه به تاریخ‌گذاری این سوره، مصّلین ریاکاری که به سبب مانع خیر شدن و پایمال کردن حقوق یتیم در این سوره مذمت شده‌اند، مسلمانان نبوده‌اند. زیرا در سال‌های نخست مکه منافقی وجود نداشته است. با توجه به مکی بودن این سوره، اطلاق این صفات بر منافقان مدینه نیز منتفی است. لحن سوره نیز نشانگر حضور این گروه در جامعه و آثار مخرب آنان است. لذا هرگونه ادعای پیش‌گویی وضعیت آینده مسلمانان، در سوره ماعون پذیرفته نیست. از سوی دیگر وجود آیاتی که صلاه را شریعت همه پیامبران توصیف نموده و به ویژه از صلاه مشرکان که تبعاً وام دار سنت ابراهیم خلیل بوده، به مذمت یاد کرده، گواه آن است که نمازگزاران مورد عتاب در سوره ماعون، همان مشرکان مکه بوده‌اند و صلاه در این سوره به معنای حقیقت شرعیه نماز در میان مسلمانان نبوده است.

منابع

- ابن عاشور، محمدبن طاهر، *التحریر و التنبیر*، بیروت، موسسه التاریخ، بی‌تا.
 ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
 ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، *تفسیر القرآن العظیم*، محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹ ق.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: اسعد محمد طیب، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ سوم، ۱۴۱۹ ق.

ابن ابی زینب، محمد بن عبدالله، *تفسیر ابن ابی زینب*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
ابوالفتوح، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.

ابوحیان، محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.

اسماعیلی زاده، عباس، «واکاوی معنای دین در کاربردهای قرآنی آن»، *مجله آموزه‌های قرآنی*، مشهد، ۱۳۹۱، ش ۱۵

آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، علی عبدالباری عطی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

بازرگان، مهدی، *پایه پای وحی (مجموعه آثار بازرگان)*، تهران، بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان، ۱۳۹۲.

بهجت پور، عبدالکریم، *همگام با وحی*، قم، مؤسسه تمهید، ۱۳۹۰.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.

ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: شیخ محمدعلی معروض و شیخ عادل احمد عبدال موجود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.

حبتکه، عبدالرحمن حسن، *معارج التفکر و دقائق التدبیر*، دمشق، دارالقلم، بی تا.

حسن طه، علی، *ابعاد التنزیل*، لبنان، الهرمل، ۱۴۱۴ ق.

حوی، سعید، *الاساس فی التفسیر*، قاهره، دار السلام، چاپ ششم، ۱۴۲۴ ق.

دروزة، محمد عزه، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ق.

زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.

سمرقندی، نصر بن محمد، *بحر العلوم*، بی جا، بی تا.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

شوکانی، محمد بن علی، *فتح القدر*، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر، دار الكلم الطیب، ۱۴۱۴ ق.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*، تحقیق: پرویز اذکانی، تهران، مرکز انتشار نسخ خطی، ۱۳۶۸.

صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.

- طالقانی، محمود، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
- طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- طبری، محمدبن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمدبن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- فخررازی، محمدبن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فراء، یحیی بن زیاد، *معانی القرآن*، تحقیق: احمد یوسف نجاتی / محمدعلی نجار / عبدالفتاح اسماعیل شلب، مصر، دارالمصریه للتألیف و الترجمة، ۱۹۸۰ م.
- فضل الله، محمدحسین، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، چاپ دوم، ۱۴۱۹ ق.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *الصادق*، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.
- قاسمی، محمد جمال الدین، *محاسن التأویل*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، بیروت- قاهره، دارالشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب، چاپ سوم، ۱۳۶۳.
- ماوردی، علی بن محمد، *النکت و العیون*، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- مراغی، احمدبن مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- معرفت، محمد هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
- مغنیه، محمدجواد، *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
- مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء تراث، ۱۴۲۳ ق.
- هواری، هود بن محکم، *تفسیر کتاب الله العزیز*، الجزایر، دار البصائر، ۱۴۲۶ ق.